**انترناسیونال ۶۴۲**

**نزاع آل سعود و آل ولایت فقیه**

**بهم ریختن صف بندی ها در جمهوری اسلامی**

**سیامک بهاری**

به آتش کشیدن سفارت عربستان در تهران و حمله به کنسولگری آن کشور در مشهد، بسرعت نگاه ها را از اعدام ٤۷ نفر زندانی سیاسی توسط حکومت عربستان به واکنش انتقامجویانه جمهوری اسلامی جلب کرد و منجر به محکومیت بین المللی و فشارهای سیاسی و دیپلماتیک جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران گردید.

اعلام مواضع متناقض سران جمهوری اسلامی در پی حمله به سفارت عربستان، بار دیگر تشتت و چند دستگی و دعوای بی پایان طرفین جنگ قدرت در ایران را اینبار بصورتی حادتر نمودار ساخت. در حالیکه خامنه‌ای، از دست انتقام الهی که گریبان سعودی را خواهد گرفت نسبت به حمله به سفارت عربستان در تهران واکنش نشان میداد، حسن روحانی، از جناح دیگر قدرت، شتابزده حمله معترضان به سفارت عربستان را شدیدا محکوم کرد و آن را آبروریزی دانست.

در فردای حادثه مجددا علی خامنه ای در کلاس درس فقه خود با نشان دادن واکنش تند و کینه توزانه نسبت به دولت عربستان از اشاره و محکومیت حمله به سفارت عربستان خود داری کرد. وی پیشتر نیز "آل سعود" را با "کفار قریش" مقایسه کرده بود. چنانکه پیشتر نیز محسن رضایی در جریان حادثه منا عربستان را تهدید به فرستادن به دوران ماقبل صنعتی شدن کرده بود.

جناح دولت که از رقیب رودست خورده است، از زاویه دیگری، وارد عمل می شود. تا خود را مبرا کند و در آستانه انتخابات فاصله بیشتری از جناح خامنه ای و اصول گرایان بگیرد. در انظار بین المللی برای خود آبرویی بخرد و رفتار وحشیانه رقیب را شاهد بیگناهی خویش بگیرد. ابتدا مصطفی پورمحمدی‌، وزیر دادگستری محتاطانه گفت: "با توجه به فرمایشات و تذکرات دائمی رهبری درباره نفوذ دشمن، حرکت اخیر می‌تواند توسط عوامل نفوذی طراحی و پشتیبانی شده باشد." سپس محمد باقر نوبخت، سخنگوی دولت در کنفرانس مطبوعاتی خود اعلام کرد: موضوع "کمی مشکوک" است و باید در باره دستهای پشت صحنه تحقیق شود. وی تعرض به سفارت عربستان را "خارج از شان ملت ایران دانست". علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، حمله به سفارت عربستان را "مشکوک" دانسته و بر "رسیدگی سریع قضایی به این موضوع و مجازات عاملان آن" تأکید میکند. همزمان، نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل با سرافکندگی از اتفاقی که افتاده است، عمیقا از جانب دولت ایران اظهار تاسف کرد و تاکید کرد دولت با تمام توان با متخلفین برخورد خواهد کرد.

اما خبرگزاری فارس با خودداری از نسبت "خود سر" و با دانشجو قلمداد کردن حمله کنندگان به سفارت نوشت: "آتش‌گرفتن بخشی از سفارت سعودی در تهران از پیش طراحی شده بود" سپس در وب سایت خبری خود به نقل از یک مقام امنیتی افزود: "آتش‌ در سفارت عربستان قبل از حضور معترضان شعله‌ور شده بود: دستگاه‌های امنیتی در حال بررسی این موضوع هستند و تا کنون هم به سرنخ‌های خوبی رسیده‌اند." محسن کاظمینی، فرمانده سپاه رسول‌الله تهران، ابراز اطمینان میکند که: "آتش‌زدن سفارت عربستان توسط حزب‌اللهی‌ها صورت نگرفت: بلکه کاملا سازماندهی شده بود."

راهپیمایی مسلحانه بسیج در ارومیه و سخنرانی مهدی مهدوی، مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه آذربایجان غربی، سپس سخنرانی **علم الهدی** نوچه شناخته شده خامنه ای **در مشهد، در مراسم بزرگداشت شیخ نمر که بیان کرد: "حمله کنندگان به سفارت عربستان افراطی نبودند، انقلابی بودند"، دوگانگی و تناقض رفتار جناح های درگیر در جمهوری اسلامی را بیشتر عیان کرد.**

سایت عصر ایران نیز نوشت: حمله به سفارت عربستان، آنطور که برخی می‌خواهند القا کنند یک اقدام خودجوش مردمی نبود: «در اطراف محل، خودروهای شخصی متعددی با پلاک‌های قم و کرج دیده شده‌اند که مهاجمان را به آنجا رسانده بودند." **نسبت دادن مهاجمین به سفارت عربستان به مصباح یزدی و عدم تکذیب دفتر او نیز بخشی دیگری از همین چند دستگی و سنگین کردن کفه مشکلات رقباست.**

وب سایت ایران وایر: "ساعت پنج عصر روز شنبه، یک آگهی کوچک یک خطی در وب سایت «افسران جنگ نرم» منتشر شد: «یکشنبه ساعت ١٥ همگی در مقابل طویله آل صهیون در تهران». وب سایت "افسران جنگ نرم" یکی از سایتهای مهم اطلاع رسانی درباره تجمع نیروهای حزب اللهی محسوب می شود. در همان ساعت، علاوه بر این که عکسهای تجمع و حمله به کنسول‎گری عربستان در مشهد پخش می شد، نشانی سفارت عربستان در تهران هم دست به دست می گشت؛ پاسداران، سه راه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نیلوفر ... ساعت ١۰شب بوقت تهران نخستین جرقه ها زده شد، برخی کوکتل مولوتوف به دست، به میدان آمدند. با پرتاب کوکتل مولوتوف به سمت ساختمان و شروع آتش سوزی، معترضان کاملا بر صحنه مسلط شدند."

**ریشه ها و پیشینه ها**

آتش بیش از سه دهه رقابت و کشمکش دو حکومت فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی با اعدام شیخ نمر و سپس حملات تلافی جویانه جمهوری اسلامی ایران، بیشتر از پیش زبانه کشید و وارد فاز تازه ای از تنشهای غیر قابل پبش بینی شد. دو سوی این کشمکش، علیرغم تشابهات سیاسی و ایدٸولوژیک حکومتی، براساس منافع و اهداف کاملا متضاد بعنوان دو قطب اسلام سیاسی در پی کسب هژمونی در منطقه و بسط گستره قدرت خود هستند. جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت عربستان در همه عرصه های تعیین کننده سیاسی، اقتصادی و ژٸوپولتیک منطقه رو در روی یکدیگرند. جنگ بر سر میزان تولید و تعیین قیمت نفت، جنگ نیابتی فرساینده در سوریه، بحرین، یمن و در ادامه آن لبنان و غزه و رقابت بی امان در تعیین هژمونی رهبری شیعه و سنی در جهان، سه عرصه اصلی جنگ بی امان این دو قطب ارتجاعی است.

در حالیکه جمهوری اسلامی در زیر بار تحریم های فلج کننده و ورشکستگی اقتصادی دست و پا می زند، برای تامین هزینه کمرشکن رقابت های نظامی ـ امنیتی و ماجرجویی سیاسی اش بیش از پیش فشار بیشتری به سفره خالی مردم ایران تحمیل می کند. در عین حال، حادتر شدن وخامت اوضاع منطقه در پی قطع رابطه عربستان با جمهوری اسلامی ایران، بیشک به انزوای سیاسی اقتصادی شدیدتر حکومت اسلامی در سطوح مختلف منجرخواهد گردید.

از سوی دیگر، عربستان سعودی به نوبه خود با یکی از عظیم ترین کسر بودجه های تاریخ خود روبروست. تحمیل ریاضت اقتصادی به مردمی که بر خوانی از ثروت درگیر فقر و بیکاری و فلج اقتصادی اند جز با ایجاد فضای رعب و وحشت و سرکوب همه جانبه مردم امکان پذیر نیست. بافت عشیره ای، فضای بسته و بشدت ارتجاعی، فساد و جنگ قدرت و بی پایان شاهزادگان سعودی و اعمال اراده آشکار و نهان آنها در سهم خواهی قدرت بر متن گسترش جنگ نیابتی در منطقه کل دستگاه حکومتی عربستان را با چالشی جدی روبرو کرده است.

رو در رویی این قطب ارتجاعی در عین حال سبب تغییر مداوم جهت گیریهای سیاسی در کل منطقه می گردد. قدرتنمایی، بسیج نیرو، تبعات اوجگیری اختلافات و موقعیت ویژه هر کدام از طرفین بر متن تلاطمات ژٸوپلوتیک منطقه بیش از هر وقت دیگر در اوضاع متشتت منطقه تعیین کننده است.

کفه قدرت دو طرف منازعه اما در اعمال فشار بر یکدیگر کاملا ناهمگون است. سعودیها با عکس العمل سریع دیپلماتیک و کور کردن روزنه هر نوع رابطه، نشان دادند که میتوانند بخوبی از فضای متشنج سیاسی ابزارهای لازم برای بسیج نیرو علیه جمهوری اسلامی و آتش بیاری های منطقه ای اش سود جویند. از اتکا به رابطه حسنه و متقابل با غرب، قدرت لابیگری در میان کشورهای عرب و همچنین در سازمان ملل، تکیه زدن به ذخیره عظیم ارزی، اتکا به قدرت حضور در بازار صدور نفت علیرغم کاهش قیمت مداوم آن، دست بالا داشتن در مانورهای دیپلماتیک منطقه ای بویژه در اتحادیه عرب و در شورای همکاری خلیج، اعمال نفوذ آشکار در سازمان همکاریهای اسلامی و عضویت این کشور در گروه ۲۰ اقتصاد برتر جهان، بهره گیری کنند.

نگرانی عربستان با فیصله یافتن توافقات اتمی جمهوری اسلامی با غرب و رفع تحریمها، بیم بهبود رابطه آن با غرب و تغییر موزانه توان و قدرت جمهوری اسلامی در جنگ سوریه سبب تندتر کردن آتشباری دیپلماتیک و سیاسی بر مواضع جمهوری اسلامی گردیده است.

در مقابل جمهوری اسلامی در پی توافقات اتمی با از دست دادن توان خود در مقابله با "شیطان بزرگ" ضعیف تر، ضربه پذیرتر و بی رمق تر از نگه داشتن نقطه اتکاهای منطقه ای اش، دچار انزوای خرد کننده تر گردیده است. نمایش توان رزمی موشکی توسط جمهوری اسلامی بلافاصله بعد از حمله به سفارت عربستان تنها ابتکاری بود که جمهوری اسلامی بعنوان بخشی از نمایش بی مایه برای نشان دادن قدرت خود توانست به آن دست بزند.

**ناکار آمدی سیاستهای غرب**

عربستان با بهره برداری از حمله به سفارتش در تهران، با اعلام قطع هرگونه روابط سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، عملا راه حضور جمهوری اسلامی بعنوان یکطرف حل منازعه سوریه را نیز بست. تعجیل غرب برای پادرمیانی و میانجیگری و پیدا کردن راهی برای برون رفت از وضعیت فعلی چندان نتیجه ای در بر نخواهد نداشته است. غرب به درجه ای با کم رنگ کردن اعدام ٤۷ نفر در یک روز و متقابلا محکوم کردن حمله به سفارت عربستان در تهران، به دنبال راهی برای گشایشی در این بحران است تا مانع بسته شدن پروسه سر میز آوردن جمهوری اسلامی ایران، عربستان و سوریه گردد. دول غرب و بویژه دولت آمریکا، کل پروژه ای را که درباره حل مساله سوریه ساخته اند در خطر جدی می بینند. با درک وخامت شدید اوضاع در خاورمیانه، دولت ترکیه به نیابت از جانب دول غربی بسرعت آمادگی خود را برای پا درمیانی اعلام میکند. دولت روسیه نیز در اقدامی متقابل می پذیرد که ابتکار میانجی گری میان تهران و ریاض را بدست بگیرد.

دولت عربستان با بسیج متحدین خود برای ترک رابطه با جمهوری اسلامی عملا ابتکار تحت فشار گذاشتن سنگین جمهوری اسلامی را بدست گرفت. هم پیمان کردن کویت، اردن، عمارات متحده عربی و قطر که همسویی چندانی با سیاستهای ریاض ندارند، با احضار سفرای خود و کاهش سطح رابطه تا اعلام قطع رابطه توسط بحرین، سودان و جیبوتی، عملا عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ کرد. این به هم ریختن توازن قوا، مستقیما مساله مذاکرات بحران سوریه را که عربستان سعودی و جمهوری اسلامی بعنوان دو طرف منازعه رو در روی یکدیگرند را تحت تاثیر جدی قرار خواهد داد.

در عین حال دولتهای غربی بخوبی دریافته است که سعودیها ساده تر می توانند آنان را برای تغییر سیاست نزدیکی به جمهوری اسلام تحت فشار قرار دهند و به نفع خود امتیاز بگیرند. از حضور نظامی دولتهای غربی بویژه امریکا در منطقه به نفع خود بهره برداری کنند و مواضع خود را تحکیم کنند و با همین پارادوکس میزان ضربه پذیری رابطه با جمهوری اسلامی را افزایش دهند.

از سوی دیگر تشدید بحران سیاسی کنونی میزان ائتلاف‌منطقه‌ای علیه داعش، ضعیف تر از پیش خواهد شد.

طبعا آنچه در این میان قربانی سیاستهای ارتجاعی طرفین و هم پیمانان ریز و درشت آنان خواهد شد، منافع و زندگی و هست و نیست میلیونها مردم گرفتار در چنگال ارتجاعی حکومت های اسلامی از نوع سعودیها و همتای آن جمهوری اسلامی ایران است. میلیونها مردم جنگ زده، مصیبت دیده و آواره با بحرانی تر شدن منطقه با مصایب غیرقابل تصور دیگری روبرو خواهند شد. سناریوی سیاهی که دول ارتجاعی علیه مردم منطقه چیده اند باز هم قربانی بیشتری خواهد گرفت.

در غیاب مبارزه و کنار زدن و بزیر کشیدن حکومت های خونریز کنونی، آنچه پیش روست بدون هیچ تردید آینده ای تاریک و سیاه خواهد بود. بحران کنونی تنها یک پاسخ دارد. متحد شدن و بمیدان آمدن مردم منطقه علیه هیولای نکبت بار حکومتهای ارتجاعی و ادامه بهار انقلابی که توسط همین حکومتهای خونریز، شکوفه نکرده خزان شد. آنروز دیر نیست. اعتراضات مداوم مردم عراق در شهرهای بزرگ و کوچک این کشور، علیه تجار دین، علیه تقسیم کردن جامعه به شیعه و سنی، برای برپایی یک جامعه و مدنی و انسانی راهی است که باید همه گیر شود.